

تحلیل و تبیین مبانی تعلیم و تربیت در دره التاج قطب الدین شیرازی

اعظم الماسی کوپائی

دانش آموخته کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش گرایش تعلیم و تربیت اسلامی
almasikohpaye@gmail.com

دکتر سید حسین واعظی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)
vaezi1340@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل و تبیین مبانی تعلیم و تربیت در دره التاج قطب الدین شیرازی است. روش در تحقیق حاضر نظری است با رویکرد توصیفی و تحلیلی و از نوع کتابخانه ای و اسنادی با استفاده از ابزار فیش برداری از کتب و مقالات گوناگون که شامل منابع اولیه و ثانویه است. منبع اولیه کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی می باشد. منابع ثانویه شامل کلیه کتاب ها و مقالات و نشریات در مورد کتاب دره التاج است. جامعه آماری این پژوهش کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی است. نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که قطب الدین شیرازی مهم ترین و اصلی ترین هدف تعلیم و تربیت را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می داند، کسب اعتدال و میانه روی و کسب فضائل اخلاقی نیز از مهم ترین اهداف تربیت اخلاقی این فیلسوف است. روش تشویق و ترغیب از مهم ترین روش های تربیت اخلاقی قطب الدین شیرازی است. هدف قطب الدین از تربیت فقط سعادت دنیوی نیست و به سعادت انسان پس از مرگ نیز معتقد است. همچنین برای دستیابی به سعادت جامعه به هم به اهداف فردی تربیت و هم به سعادت خود و اجتماع توجه داشته است. دستیابی به این مطالب این اهمیت را دارد که فعالیت های تربیتی را هدفمند و منسجم می کند و با ارائه رهنمودهای کلی به اعتدالی کیفیت آموزش و پرورش و در نتیجه به بازدهی تعلیم و تربیت کمک می کند.

کلمات کلیدی: قطب الدین شیرازی، دره التاج، تعلیم و تربیت

۱. مقدمه

موضوع تعلیم و تربیت و روش های آن، مطلبی است که از دیر باز و زمان های بسیار دور توجه بشر را به خود معطوف ساخته و در تمام عصرهای گوناگون زندگانی انسان ما از اهمیت والائی برخوردار بوده است. علاوه بر پیامبران الهی که رسالت و مسئولیت تعلیم و تربیت جوامع بشری را بعهده گرفته بودند دانشمندان و اندیشمندان هر جامعه و ملتی همگام با آنان در این رهگذر می کوشیدند دانشمندان آن کتاب ها و رساله های فراوانی در این زمینه ساخته و پرداخته اند، و پیوسته کوشش های آنان هنوز در این زمینه به وضوح چشمگیری ادامه دارد. این ادعا گزافه گوئی نیست زیرا دانش و بینش بنیاد و اساس هرگونه اصلاح و زمینه برای پیشرفت هر جامعه ترقی خواه می باشد. تعلیم و تربیت است که می تواند این بینش و دانش را برای جامعه تضمین نموده و رسالت نشر علم و تقویت عقل و تهذیب نفوس مردم را بخوبی اداء نماید. تحقیق در زمینه تعلیم و تربیت و روش های آن در تاریخ تعلیم و تربیت انسان بخصوص جهان معاصر تازگی ندارد. قسمت عمده ای از مشکلات اخلاقی بر اساس روش های تربیتی نادرست و غیر اسلامی ایجاد می گردد. مطالعه تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام نشان می دهد تربیت انسان متقی، مؤمن، متعهد و خداجو بر اساس روش های اصول الهی-اسلامی امکان پذیر است.

مساله تعليم و تربيت يکي از مسائل بسيار مهم در هر جامعه اي شناخته مي شود. بدین منظور بررسي دیدگاه فلاسفه برجسته از اهميت بسزايي برخوردار است. در این زمینه با توجه به موضوع تحقيق تحليل و تبیین مبانی تعليم و تربيت در دره التاج قطب الدين شيرازي تلاش شده است نظرات این دانشمند مورد تبیین قرار گیرد.

بر هيچ کسي پوشيده نيست که تعليم و تربيت، تنها راه تحقق انسان واقعي است. خداوندي که انسان را آفريد و او را اشرف مخلوقات قرار داد کمال مطلوب او را نيز با ويژگي هاي منحصر به فردي که در وجود او به ودیعه نهاده پيش بيني نموده است. ليکن نگاهی کوتاه و گذارا به زندگي امروزه بشر، آدمي را دچار شگفتي مي سازد. چرا که تربيت اخلاقي که مهره ي اصلي و اساسي در نيل به کمال بشر به شمار مي رود دستخوش مقولاتي فاقد ارزش هاي معنوي انساني گشته که گاه تنها افراد را براي زندگي دنيايي سرشار از ماديّات آماده مي سازد و بعضي اوقات حقيقت وجودي آن ها يعني نفس بشر نادیده گرفته مي شود. دنياي ماشيني و مکانيکي امروز در اوج پيشرفت هاي صنعتي، الکترونيکي و ارتباطي و ... به جای این که انسان را در راه رسيدن به کمال حقيقي ياري نمايد روز به روز ميّان وجود انسان، اصل و فلسفه ي آفرينش او فاصله مي اندازد. متاسفانه بي سرو ساماني و ضعيت تعليم و تربيت، بي رحمانه ريشه هاي اصيل وجود آدمي را به نابودي مي کشد و روح او را که در آغاز آفرينش سرشار از روح خدائي و کمال جويي است به بيراهه کشانده نابودش مي سازد (بابازاده، ۱۳۸۹).

این در حالی است که در جهان اسلام و در ميّان دستاوردهاي فيلسوفان اسلامي به آموزه هايي برخوردار مي کنيم که با تلاش هاي خود سعي در روشن سازي حقيقت وجودي انسان داشته اند. يکي از این دانشمندان، قطب الدين شيرازي است که در سايه تفکر، تعقل، دانش آموزي، رياضت، توسل به بيانات ارزشمند قرآن و ائمه اطهار و مهم تر از همه توفيق الهی به حقايق شگفت انگيزي در باب ابعاد وجودي انسان دست يافته که مي توان با استفاده از دیدگاه ها و بيانات وی، و استخراج پیامدهاي تربيتي، تغييرات بزرگي در مسير زندگي آدمي پديد آورد او را از جهالت اسارت در دنياي مادي و مصرف گرایی خالي از ارزش هاي معنوي رهانيد.

در راستاي تحليل و تبیین مبانی تعليم و تربيت در دره التاج قطب الدين شيرازي به طور عام با تعليم و تربيت و به طور خاص آن چه بيش از هر چيز اهميت مي يابد توجه به بن مایه هاي فلسفي است که تعليم و تربيت بر مبنای آن بنا نهاده شده است.

تاريخ تمدن هر قوم و ملتي عبارت از کوشش ها و خلاقيت هايي است که افراد آن قوم و ملت در طول تاريخ حيات خود جهت بيرون آمدن از بي ثباتي و وارد شدن در صحنه ي حيات جمعي و پيشبرد اهداف جمعي به کار برده اند. تاريخ ايران پر است از دانشمنداني که در هر عرصه ي ظهور نموده و نام خود را جاودان ساخته اند و در جهت تمدن سازي و گسترش علم تلاشي پيگير نمودند. يکي از حکماي عالم اسلام که با همه ي جلالت قدر و عظمت شان و وسعت معلومات در موطن خویش ناشناس مانده و جز در نزد خواص دانشمندان معروف و مشهور نيست، علامه قطب الدين محمود شيرازي مي باشد که در عصر ايلخانان پا به عرصه نهاد، دانشمندی که در تمام علوم زمان خویش چون، فلسفه، ادبيات و عرفان، رياضيات و موسيقي، نجوم و پزشکی صاحب سبک و اثر مي باشد. این پژوهش به روش تو صيفي و تحليلي و با تکیه بر منابع دست اول کتابخانه اي، به تحليل و بررسي کتاب دره تاج قطب الدين شيرازي و اندیشه ها و آرا تربيتي وی مي پردازد، زيرا وی در بيشتر علوم عقلي زمان خویش صاحب اندیشه بوده است؛ چنان که از طرفي در تقريّب سه تفکر عرفان و فلسفه اشراق و مشاء کوشيد و از طرفي ديگر در حکمت عملي مباحثي را مطرح نمود که متفاوت از تفکر يوناني بوده است، ضمن آن که در علوم پايه نيز خوش درخشيد، و در تکامل علوم اسلامي سهمي بسزا ايفا نمود (کيهاني لنباني، ۱۳۹۰).

۲. معرفي دانشمند و کتاب دره التاج

قطب الدين محمود پزشک، دانشمند، حکيم و فيلسوف ايراني در نيمه قرن هفتم و اوایل قرن هشتم قمری و از شاگردان بزرگ خواجه نصيرالدين طوسي است و به خاطر شکوه و جلال علمي اش به علامه شيرازي و قطب المحققين معروف است. خاندانش اصالتا کازروني و در شيراز ساکن بودند (رشنوزاده، ۸۸).

کتاب او با عنوان دره التاج لعزه الدباج شهرت دارد که آن را برای امیر دباج فرمانروای گیلان به زبان فارسی نوشته است و شامل ادبیات خاص قرن هفتم و هشتم است. این کتاب دایره المعارف فلسفی در زمینه منطق، ریاضی، الهیات و سایر اقسام مسائل فلسفی است و همچنین پیرامون علوم سیاست، خانه داری، علم اخلاق بحث نموده است. بخش نخستین آن در قالب چهار جلد می باشد که در جلد اول آن پیرامون فضیلت علم، تعلیم و تربیت و اقسام آن به سخن پرداخته است. در این کتاب ابعاد وجودی انسان شامل مادی و معنوی و همچنین طبقه بندی علوم از جهت مختلف همچون فلسفی و غیرفلسفی، علوم نقلی و عقلی، علم اجمالی و تفصیلی از منظر بزرگان بررسی شده است. (رشنوزاده، ۸۶).

۳. سوالات تحقیق

۱. نظرات قطب الدین شیرازی در تکوین اصول تربیت دینی چیست؟
۲. اندیشه ها و عقاید قطب الدین شیرازی در مورد جامعه چیست؟
۳. دلالات تربیتی (اهداف، اصول و روشها) با محوریت کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی چیست؟

۴. مبانی نظری پژوهش

با بررسی ساخت و پیشینه فرهنگی جامعه خود آن چه بیش از هر عامل دیگر به جلوه گری می پردازد همانا غنا و عمق معارف و اندیشه های دینی-فلسفی و عجین شدن این معارف با فرهنگ و زندگی مردم می باشد به گونه ای که چون حیات فکری و فرهنگی کشور و جامعه خود را بررسی می گردد شاهد رشد و پرورش حکما و نوابغی در دامان آن هستیم که چشم جهانیان را خیره نموده و چون نگینی بر تارک آسمان علم و فرهنگ جهانی می درخشند. این بزرگمردان عرصه ی علم و اندیشه در کدامین مدرسه و از کدامین شیوه آموزشی بهره مند گشته اند که در زمانه محدودیت دسترسی به علم و دانش و اطلاعات، این چنین پرفروغ از ذخایر اندیشه بهره مند گردیده و خود نیز درهای غلتان اندیشه های ژرف و شگفت را برای آیندگان به ارمغان گذاشته و منشا تحولات سترگ در عالم اندیشه گشته اند. آیا نمی توان بخشی از این مسائل و مشکلات را در مبانی فلسفی تعلیم و تربیت جستجو کرد به گونه ای که اگر مبانی آموزش و پرورش را به دو دسته مبانی علمی و فلسفی تقسیم کنیم شاهد آن خواهیم بود که مبانی فلسفی آن از ملاحظات اخلاقی و فلسفی مرتبط با طبیعت آدمی و هدف ها و غایات تربیت افراد استنتاج می گردد. لذا باید گفت چون بررسی غایات نه در صلاحیت علم است و نه در حد تکنیک، توجه به مبانی فلسفی از اهمیتی ویژه و ضرورتی اجتناب ناپذیر برخوردار می گردد (شکوهی، ۱۳۶۸، ۶۱).

چرا که فلسفه در صدد آن است که بسیاری از جنبه های واقعیت را تواما بررسی نماید تا تصویر کاملی از جایگاه انسان در جهان و هدفی وی از زندگی ارائه دهد. فیلسوف جنبه های مختلف واقعیت را نظاره می کند، آن ها را ارزیابی می کند و پس از نوعی مذاقه ی درونی و تفکر موشکافانه به موضعی فلسفی پیرامون ماهیت واقعیت و طبیعت انسانی دست می یابد (گریز، ۱۳۸۳، ۲۶). از دیگر سوی قضا یی مربوط به آموزش و پرورش نیز از نوع ارزشی می باشند و به بحث از اهداف، ارزش ها، ماهیت انسان و فلسفه اخلاق پیوند خورده اند و به علت این پیوند، بحث از آموزش و پرورش بحثی فلسفی است. به تعبیر دیگر اکثر قضاوت های مربوط به آموزش و پرورش با ملاحظات ارزشی مرتبط می باشند (زیباکلام، ۹، ۱۳۸۰).

تعالی و کمال جامعه در گرو اصلاح نظام تعلیم و تربیت آن است. از سوی دیگر همه ابعاد و زوایای نظام تعلیم و تربیت یک جامعه بر پایه پیش فرض های نظری و در چارچوب فلسفه حاکم بر آن جامعه استوار است. به علاوه وقتی مقصود تعلیم و تربیت، آماده کردن شاگرد برای زندگانی در نظر گرفته شود، پرسش های آن درباره هدف، روش و بنیادهای آن باید پاسخ داده شود و این مهم، می تواند به کمک فلسفه تحقق یابد. به عبارت دیگر، دیدگاه های تربیتی-فلسفی، مهم ترین پشتوانه در نظریه های علوم انسانی بخصوص دانش تعلیم و تربیت به شمار می آید. در ایران، علی رغم پیشرفت های بسیار در حیطه تعلیم و تربیت گاه با کاستی هایی مواجه خواهیم شد که نشأت گرفته از مغفول ماندن مبانی نظری-فلسفی و یا عدم

بهره گیری از این مبانی در نظام تربیتی کشور است. با توجه به جامعیت و ژرفای فکر و فلسفه قطب الدین شیرازی، باید گفت تبیین و استنباط نظرات تربیتی وی برای در انداختن طرحی نو در بنیان نهادن فلسفه تعلیم و تربیت، آن هم به گونه ای که شایسته آموزش و پرورش نوجوانان و جوانان ایرانی باشد لازم و ضروری است.

باید توجه داشت که ضرورت تبیین چنین مباحثی از میان مبانی فلسفی اندیشمندی چون قطب الدین شیرازی از آن جا نشأت می گیرد که نظام تعلیم و تربیت ما در حال حاضر دچار مشکلات جدی در دو زمینه نظری (مبانی) و چالش های عملی (راهبردها و شیوه ها) است. دلیل چنین چالش هایی را می توان در عوامل مختلفی جستجو نمود، از جمله این که بر اساس بررسی های تاریخی، در کشور ما فلسفه تعلیم و تربیت مدون و مکتوبی وجود ندارد (کاکوجویباری، ۱۳۸۴، ۷۰) و یا این که از کشورهای غربی و اندیشه های فلسفی غربی استفاده شده است. لذا تجدید نظر در فلسفه آموزش و پرورش ما هم باید هر چه زودتر مورد توجه خاص قرار گیرد، زیرا اوضاع اجتماعی و اقتصادی ما به سرعت در حال تغییر است.

بدین سبب تلاش محقق در این تحقیق دستیابی و تبیین و تحلیل عناصر اصلی تعلیم و تربیت از دیدگاه قطب الدین شیرازی در کتاب دره التاج است تا بدین وسیله بتوانیم ضمن تبیین مفاهیم نظری تربیت اخلاقی، دست اندرکاران سطوح مختلف نظام آموزش و پرورش را نیز با نقاط قوت و ضعف فعلی آشنا و راه را برای دستیابی به نظام تعلیم و تربیتی مبتنی بر فلسفه ای منسجم هموار نماییم. در چنین شرایطی لازم است به مبانی فلسفی اندیشمندان مسلمان چون قطب الدین شیرازی رجوع نمود تا از این طریق در راستای برطرف نمودن ضعف های تئوریک و عملی سیستم آموزشی حرکت کرد.

اگر نظام فلسفی که آموزش و پرورش بر آن بنا شده را به عنوان یکی از اصلی ترین و ضروری ترین مبانی آن بدانیم و حتی به تعبیری رساتر نظام فلسفی و بن مایه های آن را یک فرامبنا برای آموزش و پرورش در نظر بگیریم، آیا این پرسش به ذهن خطور نمی کند که شاید بیشترین مشکلات امروزی آموزش و پرورش ما به علت عدم توجه به مبانی فلسفی است؟ چرا که چون به دقت بنگریم خواهیم دید که آموزش و پرورش کنونی جامعه ما به علت آن که از زمان تاسیس آن به شیوه ی امروزی، بیشتر و امدار نظام های آموزشی دیگر کشورها بوده، مبانی فلسفی آن نیز ملغمه ای است از آرا و نظرات فلسفی ای که نه سنخیتی با مبانی دینی- فلسفی و فرهنگی کشور ما دارند و نه کارآمدی لازم را برای آن، بدین دلیل محصول آن یعنی دانش آموزان، نیز محصولی است بیگانه با بن مایه های فلسفی- دینی خود و در زمینه حل مشکلات خود و جامعه اش ناکارآمد. چرا که ما در کشوری زندگی می کنیم که پایه های شخصیت و هویت و نظام ارزشی مردم آن بر باورهای دینی و فرهنگ ایرانی استوار می باشد. تاریخ تفکر و فرهنگ و ارزش های دینی و ملی ما، که مبتنی بر تعالی جویی و حکمت و فضیلت است، عمیقاً متفاوت از تاریخ اندیشه و فرهنگ و هویت و نظام ارزشی مغرب زمین است که دنیا مداری و عمل گرایی، فلسفه اصلی زندگی آنان را تشکیل می دهد (لطف آبادی، ۱۳۸۶). البته استفاده از نظرات و اندیشه های نو، بدیع و راهگشا از هر که و هر کجا که باشد نه تنها امری مذموم و ناپسند نیست بلکه اگر این استفاده با نگاهی انتقادی و تحلیلی صورت پذیرد بسیار هم می تواند در رشد و پویایی جامعه موثر واقع شود چنان که از منظر فرهنگ دینی نیز بر این امر تاکید گردیده، آن چنان که خداوند در سوره الزمر آیه ۱۷ و ۱۸ می فرماید. ولیکن این امر منوط به اتخاذ آن است که این نظریات با نگاهی واقع بینانه و جامع نگر بررسی شود.

۵. روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر جمع آوری داده ها، از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. همچنین تحقیق از نظر هدف، کاربردی می باشد. با توجه به این که در این تحقیق، متغیری دستکاری نمی شود، به توصیف جز به جزء یک موقعیت و یا یک رشته از شرایط پرداخته می شود و اطلاعات مربوط به زمان گذشته می باشد، تحقیق از نوع توصیفی و گذشته نگر می باشد. از آنجائی که نتایج تحقیق می تواند مورد بهره برداری و استفاده مدیران، تصمیم گیرندگان و برنامه ریزان قرار گیرد، تحقیق کاربردی می باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۹۴).

روش این تحقیق، کتابخانه ای و اسنادی و با استفاده از فیش برداری از کتب و مقالات گوناگون که شامل منابع اولیه و ثانویه است. منبع اولیه کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی است. منابع ثانویه شامل کلیه کتاب ها و مقالات و نشریات در مورد کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی می باشد.

روش کتابخانه‌ای در تمامی تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در بعضی از آن‌ها در بخشی از فرایند تحقیق از این روش استفاده می‌شود و در بعضی از آن‌ها موضوع تحقیق از حیث روش، ماهیتاً کتابخانه‌ای است (حافظ نیا، ۱۳۸۸). در این قسمت جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات تحقیق، از منابع کتابخانه ای، مقالات، کتاب های مورد نیاز و نیز از شبکه جهانی اطلاعات (Internet) استفاده شده است.

جامعه تحلیلی این پژوهش شامل کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی و تألیفات سایر صاحب نظران در مورد افکار قطب الدین می باشد و نمونه با جامعه تحلیلی مطابقت دارد. به دلیل انتخاب مطالب از منابع در دسترس گزینش خاصی انجام نشده است. نحوه جمع آوری داده ها در این تحقیق کتابخانه ای با استفاده از فیش برداری می باشد. معیار تجزیه و تحلیل داده ها ادله و استنادهای معقول و عادلانه بوده است.

پس از این که پژوهشگر روش تحقیق خود را مشخص کرد و با استفاده از ابزارهای مناسب، داده های مورد نیاز را برای آمون سوال های خود جمع آوری کرد اکنون نوبت آن است که داده های جمع آوری شده را دسته بندی و تجزیه و تحلیل نماید و در نهایت سوال هایی که تا این مرحله او را در تحقیق هدایت کرده اند، تکلیف آن ها را روشن کند و سرانجام بتواند پاسخی (راه حلی) برای پرسشی که تحقیق، تلاشی سیستماتیک برای به دست آوردن آن دارد بیابد (خاکی، ۱۳۹۰).

۶. یافته های پژوهش

۶-۱ نظرات قطب الدین شیرازی در تکوین اصول تربیت دینی چیست ؟

وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارها آن چنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن وجود ندارد. بدیهی است که هیچ کنش و واکنش انسانی نمی تواند در خلأ و بدون ضابطه ای مشخص آغاز، و بی هدف پایان پذیرد. رفتارهای یکسان زیادی می توان یافت که خاستگاه واحدی ندارند؛ به منظور متفاوتی انجام می شوند و احتمالاً نتایج مختلفی نیز به بار می آورند.

با بررسی موضوع مشخص می شود که دیدگاه این فیلسوف ترکیبی از ایدئالیسم و رئالیسم خداپاورانه می باشد. با توجه به اینکه ارزش های اخلاقی از دیدگاه قطب الدین شیرازی عبارت است از:

(الف) ارزش های اخلاقی: ارزش هایی که در ارتباط با خدا، باید رعایت شود، مانند پیروی از اوامر و ترک نواهی .

(ب) ارزش های فردی: آنچه که در رشد فردی آدمی مؤثر است. مانند محاسبه نفس، ریاضت، صبر و استقامت .

(ج) ارزش های اجتماعی: مواردی در ارتباط آدمی با دیگران باید مراعات شود. اخلاق اجتماعی در واقع نیازی ثانوی برای زندگی اجتماعی انسان به شمار می آیند. نظیر پرهیز از ظلم.

قطب الدین شیرازی دارای اصول اخلاقی است که آینده را به طور مناسبی مورد واری قرار می دهد. و از نظر وی اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته می شود. وی بر اساس آزادی فکر و قدرت ابتکار و به اقتضا شرایط روش های متنوعی به کار می گیرد. و بر این اساس جهت ترویج و توسعه اخلاق تربیت، ضروری است بر اساس ارتباط چهارگانه زیر عمل شود. نخست ارتباط انسان با خود؛ یعنی انسان بتواند با خود ارتباط برقرار نموده و خود را خوب بشناسد که مقدمه سایر شناخت ها می باشد. از لحاظ استعدادها، توانایی ها کمبودها و چگونگی رابطه علت و معلول و... هویت یابی فرد که پایه سایر شناخت ها می باشد. پس از آن ارتباط با دیگران که آن هم بر اساس شناخت ایجاد می گردد بعد از کسب معرفت نسبت به خود و دیگران وجود تفاوت های فردی، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت لازمه این شناخت می باشد. پس ارتباط با طبیعت که بدون کسب معرفت نسبت به طبیعت و نظم و تعادل در آن و هستی شناسی آن ناممکن بوده و از گردش در آسمان ها و زمین وجود تعادل و نظم در آن پی به وجود بهتر خالق هستی می بریم که باید ارتباط صحیح برقرار کنیم و در نهایت ارتباط با خدا به عنوان مبدأ و سرچشمه هستی ها و ارتباطات است کسی که واجب الوجود می باشد. بر این مبنا جهت تحقق شناخت های چهارگانه و

ارتباط با خود و با دیگران و داشتن اخلاقی که بیانگر تربیت باشد و تعادل بخشی فرد وجود قوانین تسهیل گر همچون نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین، چشم انداز بیست ساله جهت پرورش ذهن و تفکر و کسب معرفت در حوزه های چهارگانه ضروری است. و توسعه فرهنگی زمان گیر و نیاز به مدیریت اقتضایی دارد. فلذا اگر بر اساس این دیدگاه فلسفی عمل نماییم در واقع انسان متعادل و فکور را تربیت خواهیم نمود. که می تواند با خودش و دیگران، با طبیعت و خدا ارتباط صحیحی برقرار کند و تعادل و توازن را در زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی داشته باشد. و بدون افراط و تفریط رشد مطلوبی را می نماید. انسان گذشته از این که در اجتماع زندگی می کند، فضیلت را دوست دارد و طالب آن است. انسان اگر در جهان به تنهایی هم زندگی کند، باز خود را مجاز به انجام هر کاری نمی داند. او از این که بر نفس خویش مسلط باشد، احساس لذت می نماید و این که سرمایه اولیه اخلاق به شمار می آید. آدمی از ضعف خویش در مقابل خواسته ها و تمایلات، احساس ناخرسندی می نماید. از این رو از ضعف عقل گریزان بوده و تمایل به حاکمیت عقل بر حیات خویش دارد. و اخلاق نیز از عقل ناشی می شود (احمدی، فراهانی، ۱۳۷۳، ص ۵-۱۶۴).

یکی از مسائل مهم و اساسی در مباحث فلسفی آموزش و پرورش، موضوع ارزش هاست. زیرا یکی از کارکردهای اساسی آموزش و پرورش انتقال ارزش های نظام ارزشی جامعه است. این موضوع در سابقه اندیشه های بشری جلوه ای متمایز داشته و در زمانه ما هم یکی از پرچالش ترین مباحث فلسفی تبدیل شده است. به گفته دونالد باتلر تربیت بیش از هر نهاد دیگر با ارزش ها سر و کار دارد و هیچ نهاد دیگری به اندازه این نهاد به دنبال تحقق ارزش ها نیست و به گفته جورج نلر در آموزش و پرورش همه جا سخن از ارزش هاست. (نلر، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

هدف تربیت اخلاقی، پرورش استعدادهای درونی انسانی برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۷).

اما اخلاق نیز ماهیت و تعریفی دارد که تنها به معنای اصطلاحی آن بسنده می شود: «اخلاق گاهی به معنای صفت نفسانی استعمال می شود و گاهی به عنوان صفت فعل به کار می رود یعنی کار اخلاقی». «علم اخلاق، علمی است که از انواع صفات خوب و بد، صفاتی که ارتباط با افعال اختیاری انسان داد بحث می کند و هم چنین کیفیت اکتساب این صفات و یا دور کردن صفات رذیله و زشت را نشان می دهد» (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۱۰-۹).

تربیت از نظر دانشمندان تربیتی، فعالیتی منظم و تدریجی برای کشف استعدادها و از قوه به فعلیت رساندن آنهاست (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۲) تربیت به معنای عمل و جریانی که در حیات انسانی به چشم می خورد، فرایندی پیچیده دارد و دارای جنبه های گوناگونی است. فلاسفه و متفکران زیادی در تاریخ اندیشه در این باره به طور صریح یا ضمنی اظهار نظر کرده اند (نوذری، ۱۳۸۷) موضوع تربیت اخلاقی، نفس انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می شود (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۴۸).

علم اخلاق در قالب هنجاری آن، هدف غایی زندگی خوب را ترسیم می کند؛ آنچه شایسته گفتار و کردار است به ما نشان می دهد؛ تغییراتی را که در حکم اخلاقی در نتیجه تحولات اجتماعی پیدا می شود بررسی می کند. مجموعه این مسائل، مبنایی برای عمل درست فراهم می کند. این مبنا بخشی از محتوا و برنامه ای است که مربی در عمل تربیت به آن نیاز دارد. در زمینه روشها، علم اخلاق چگونگی اتصاف به صفات خوب و زدودن صفات بد را به ما نشان می دهد (نوذری، ۱۳۸۷).

در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب می شود که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت و اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود. جالب است بدانیم بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلامی کمتر واژه تربیت را به کار برده اند و به جای آن از واژگان تعلیم، تربیت، تزکیه، تخلق به اخلاق، تأدیب، ریاضت، تدبیر سیاست و... بهره برده اند و این بدان جهت است که واژگان تربیت به معنای آموزش و پرورش متربی و به معنای برانگیختن و فراهم آوردن موجبات شکوفایی و رشد تمامی توانایی و شئون وجودی آدمی، در گذشته اصلاً مصطلح نبوده و یا اخلاق و تربیت را آن چنان در هم تنیده می دانستند که تربیت بدون اخلاق را غیر قابل تحقق می دانستند و با این که باور داشتند تربیت بدون پرتو افکنی اخلاق امری ناصواب و بی سرانجام است (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

چون تربیت دینی به معنای شکوفا شدن، ظاهر شدن و بالفعل شدن توانایی هاست. یعنی کار اصلی مربی این است که استعدادهای درونی مخاطب مورد تربیت را شکوفا سازد، باید زمینه ای برای او فراهم آورد تا آنچه را در درون دارد به فعلیت

رساند. تربیت صرفاً یک سری آموزش‌ها و محفوظات و تقلیدها نیست. آموزش وسیله‌ای است که از طریق آن استعداد کودک شکوفا شده و قوه‌ها به فعلیت برسد و لذا نمی‌توان آموزشی را که به این نتیجه مهم نرسد، موفق نامید. از جمله اصلی‌ترین شیوه‌های تربیت دینی این است که به جای اصرار بر یادگیری‌های طوطی وار، سعی بر شکوفا نمودن فطرت الهی داشته باشیم. همه مفاهیم و مطالبی را که فرد در دوره جوانی و بزرگسالی قادر به فهم آن است، در دوران کودکی و نوجوانی متوجه نمی‌شود. بسیاری از مفاهیم مجرد و انتزاعی تنها در سنین بالاتر معنی پیدا می‌کند و لذا مطرح کردن مستقیم آن‌ها به کودک و نوجوان جز اتلاف وقت و احیاناً تاثیر منفی اثر ندارد. در پایان دوره کودکی، یعنی حدود هفت تا دوازده سالگی، کودک به یک حالت کنجکاو هدفدار می‌رسد و مفاهیمی خاصی از جمله مفهوم علیت را روشن‌تر می‌فهمد. این قابلیت بهترین فرصت را برای مربی فراهم می‌آورد تا رابطه کودک با خدای خویش را به زبان کودکانه تبیین سازد. توجه به این نکته نیز لازم است که تقیدات دینی و مذهبی دوران کودکی چنانچه سطحی باشد و همراه با شناخت کافی مناسب همان سن نباشد، بزودی در دوران نوجوانی دستخوش شک و تردیدهای خاص آن دوره شده و گاه منجر به تعارضات درونی و طغیان‌های نوجوانی می‌گردد.

۶-۲ اندیشه‌ها و عقاید قطب الدین شیرازی در مورد جامعه چیست؟

قطب الدین شیرازی (۶۳۴-۷۱۰ق) در دورانی می‌زیست که جهان اسلام دچار آشفتگی‌ها و ناآرامی‌های فراوان شده بود و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عامل این ناآرامی‌ها حملات پی در پی مغولان بود. در پی این هجوم وحشیانه، تمدن اسلامی هم در حوزه سیاست و دولت استقلال سیاسی - اجتماعی و سرزمینی خود را از دست داد و هم در حوزه فرهنگ و علم، آثار فرهنگی و تمدنی‌اش تخریب و نابود گردید و در پی آن روحیه یاس و ناامیدی بر فعالیت‌های دانشوران به خصوص اندیشوران و ارایه‌آرا و نظریات سیاسی خود پرداخته و در عین حال، سیاست را بیش از گذشتگان خود همچون ابن سینا از جرگه فلسفه محض خارج کرده، آن را به دین و شریعت مرتبط می‌سازد؛ بنابراین بررسی فلسفه و اندیشه سیاسی وی در راستای شناخت تحولاتی که در بستر فلسفه سیاسی رخ داده، ضرورت می‌یابد.

نظریات اجتماعی وی متأثر از مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناختی بوده و ترسیم‌گر یک نظام سیاسی مطلوب است. در این نظام، دولت با اجرای سیاست‌های مطلوب، متکفل هدایت جامعه به سوی کسب فضایل و کمالات است. وی در نظریات سیاسی خود بیشترین تاثیرات را از فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر الدین طوسی پذیرفته اگرچه از مکتب اشراقی سهروردی نیز متأثر شده است. در این زمینه تاکنون یک مقاله از جان والبریج تالیف شده و در آن بحث روشنی از اندیشه سیاسی قطب الدین ارایه شده اما تحقیقات دیگر عمدتاً به بررسی آرای فلسفه نظری و منطقی وی معطوف بوده‌اند. آثاری که از قطب الدین شیرازی در منابع مختلف ثبت شده است به بیش از پنجاه اثر می‌رسد، اما چند اثر بیشتر در دسترس نیست و از این میان، دو اثر مهم وی یکی دره التاج لعه‌الدباج و دیگری شرح حکمت الاشراق سهروردی است که معرفت‌دیدگاه‌های فلسفی و اندیشه‌های سیاسی وی هستند. دیدگاه‌های او عمدتاً در کتاب دره التاج آمده است.

وی در این کتاب عمدتاً بر روش فلسفه مشاء مشی کرده است. قطب الدین شیرازی با ابتنای فلسفه سیاسی خود بر مبانی معرفت و هستی‌شناختی خود، جهانی را ترسیم کردند که راس آن، واجب الوجود خالق همه هستی و ممکنات، قرار دارد و در آن علاوه بر حاکمیت نظم و انتظام و اصل علیت و هدف‌مداری، عنایت خداوند نیز که منشا بر خورداری مخلوقات از خیریت و کمال است بر عالم ممکنات و مخلوقات گسترده شده است. همچنین در آن بر اساس اصل عدالت هر چیز در جای خودش قرار داده شده و بر اساس اهمیت نظام هستی، عالم سماوی و افلاک، عالم خیر بوده و عالم ارضی عالمی مرکب از کون و نثار و خیر و شر است و عالم سیاست و جامعه سیاسی نیز از قبیل عالم ارضی می‌باشد که باید با سیاست فاضله انسان کامل الهی، افراد جامعه از نقصان به کمال هدایت شده و به سعادت خود نایل آیند.

قطب الدین در مباحث دولت با استفاده از حکمت و تعقل سیاسی و رعایت شریعت و دینان، امکان و اصول سیاست یک دولت را در حصول شناخت کافی از افراد گروه‌ها و طوایف جامعه و استعدادها، توانمندی‌ها و شایستگی‌ها و تخصص‌های آنها و نیز رعایت عدالت در حق آنان در جهت شایسته‌سازی و دو اصل تنبیه مجرمان جهت محیط امن و امنیت برای مردم و دولت و تالف مردم جهت همدردی و همدلی و همکاری لازم بین دولت و ملت می‌داند و همچنین شرایط حفظ یک سیاست و امارت و پادشاهی را در بنا گذاری سیاست بر تعقل و حکمت سیاسی و رعایت مشورت و اخذ نظرها و دیدگاه‌های مختلف و تحمل

رنج و مشقات برای ترفه مردم و تطبیق امور حکومتی و جامعه براساس دیانت و شریعت ذکر می کند. قطب الدین شیرازی با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی زمان خود که هیچ گونه فضایی برای حاکمیت فیلسوف و حکیم الهی نمی بیند و با توجه به این که نگرش فلسفی به حاشیه رانده شده، سیاست به سوی سیاست دینی و توصیه های اخلاقی سوق داده شده، در تعدیل پادشاه به توصیه های اخلاقی و عمل به احکام شرعی بر می آید و حکمت علمی و سیاست فلسفی را با آموزه های وحیانی در می آمیزد.

همچنین شیوه های جدلی و خطابی را با برهان و استدلال همراه می کند و در نهایت چنانچه با ابن سینا وجهه دینی فلسفه سیاسی تقویت می شود، قطب الدین شیرازی بیش از پیش به شرح و تفصیل آن برمی آید. (یوسفی راد، ۱۳۸۶)

باید با توجه به دوران تاریخ اسلامی، یعنی حمله مغول و تشکیل امپراتوری آن، بررسی شود. تفکرات سیاسی فلاسفه یونان در بین مسلمانان رواج نداشت و شجره تفکر سیاسی یونان در خاک اسلامی ریشه ندوانده بود. کوشش فارابی، ابن سینا، ابن باجه، و ابن طفیل و ابن خلدون در احیای تفکر یونانی کافی به نظر نمی رسید. در زمان خواجه نصیر طوسی فلسفه سیاسی یونانی در جوامع اسلامی تقریباً نابود شده بود.

با عنایت به این نکات است که ارزش کار قطب الدین شیرازی آشکار می گردد. شیرازی در دو جا از سیاست بحث کرده است: عباراتی کوتاه درباره فلسفه اشراق و قسمت وسیعی راجع به فلسفه عملی و سیاست در کتاب دره التاج. این کتاب شامل یک مقدمه درباره علم و پنج بخش راجع به منطق، فلسفه اولی، فیزیک، ریاضیات و الهیات (کلام) می شود. قطب الدین با نقد فلسفه اشراق به سنت ابن سینا نزدیک می شود. در این کتاب او از دو روش استفاده کرده است. در آن جا که از روش های متافیزیکی استفاده می کند، ارجاعی به قرآن و سنت نمی دهد و هنگامی که از قیاس استفاده می کند، برای اثبات پادشاهی از آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم بهره می جوید. عمده مطالب این کتاب عقلانی است. وظیفه حکومت برقراری عدالت در شهرها، استان ها و امپراتوری است. سیاست درباره محدودیت های رفتار انسان بحث می کند. دو استدلال برای ضرورت چنین محدودیت هایی وجود دارد:

استدلال اول این است که فرض می کنیم همه افراد دسترسی به مواد اولیه و دارند. اگر هرکس از این طریق مالکیتی برای خود ایجاد نماید وجود دولتی برای سامان دادن این حقوق ضرورت می یابد. استدلال دوم براساس مفهوم خیر و شر و نیاز به اخلاق و اقتصاد و سیاست مبتنی است. از آن جا که روح انسان دارای سه جنبه عقل، خواهش و غضب است. وجود حکومتی برای تعدیل انسان ها و ایجاد محدودیت هایی برای آن ها ضروری می نماید. براین اساس می توان نتیجه گرفت بهترین حکومتی که می تواند اقتدار خود را اعمال نماید، پادشاهی مطلقه است. البته شاه فقط باید حکومت کند و متواضع و باهوش باشد تا مردم را حول خود جمع نماید. قطب الدین شیرازی برخلاف فارابی و خواجه نصیر معتقد است سعادت تنها در اجتماع به دست نمی آید. جامعه فقط می تواند موانع دسترسی به سعادت را از بین ببرد. از دیدگاه این فیلسوف اسلامی فلسفه سیاسی در حد تطابق اعمال شاه با حقوق و قوانین اسلامی تنزل می یابد (باترورث، ۱۹۹۲)

۳-۶ دلالات تربیتی (اهداف، اصول و روش ها) با محوریت کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی چیست؟

اهداف تعلیم و تربیت:

قطب الدین ریشه بسیاری از تمایلات انسان را گرایش به کمال می داند که تمام انسان ها کمال جو و طالب حسن و جمالند. اما کمال در نظر وی کمال به نفس ناطقه مربوط است. کمال دارای مراتبی است که انسان ها دارای مراتب مختلفی دارند رهایی از ظلمت ها و تعلقات و انقطاع کامل از غیر خداست که وی از آن با عنوان فنا یاد می کند. انسان فانی در این مرحله دست از هر دو جهان شسته و دلش مملو از عشق خداست و جز خدا نمی بیند و نمی خواهد. چنین انسانی به معدن نور و حقیقت راه یافته و از اشراقات و علوم نامتناهی الهی و بالاترین لذت ها بهره مند گردیده است.

قطب الدین شیرازی راه وصول به کمال را در؛ عرفان به غربت خود، رهایی از علایق، رعایت شرع، فکر و عشق می داند، و بالاترین عوالم را عالم عشق می داند که برای رسیدن به آن از دو پله نردبان آن یعنی معرفت و محبت باید گذر کرد. از دیدگاه شیخ اشراق هدف اصلی تعلیم و تربیت قرب الهی است. بیشتر توجه به اهداف غایی دارد تا رفتاری، اهداف تربیت از نظر او برخی در ارتباط با خالق هستی، برخی با خویشتن و برخی در ارتباط با دیگران است.

بالاترین هدف تعلیم و تربیت نزدیکی به کمال مطلق است. نزدیکی به خداوند به صورت روحی، حضوری و وجودی است نه مکانی یا زمانی و مادی. با علم شهودی انسان به عظمت خدا پی می برد. انسان عبد خداوند است و همه چیز او از خداست. او بایستی امر خداوند را انجام داده و نواهی را ترک نماید. در تربیت نفس، انسان به مرتبه ای خواهد رسید که انوار الهی بر او تابیدن می گیرد. از این طریق انسان به شناختن دست می یابد که قبلا برای او آشکار نبود است. از دیگر اهداف تربیتی رفع حجاب ها و پاکی نفس از پلیدی ها می باشد. جهت فهم حکمت اشراقی و معرفت انسان به جهان هستی، پرورش تفکر و اندیشه ضروری است. اعتدال در عقل عملی به معنای آن است که انسان به افراط و تفریط کشیده نشود.

اصول تعلیم و تربیت:

قطب الدین شیرازی چهار اصل برای تعلیم و تربیت بیان می کند که شامل:

غفلت گریزی: او اولین پله تربیت را بیداری می داند و رسالت همه علوم را بیدار کردن انسان و زدودن بی خبری و غفلت شخص غافل که از بیماری های روحی خویش و نقاط ضعف خود بی خبر است چگونه می تواند در جهت تربیت و می شناسد. اصلاح خویش گام بردارد و آنگاه انسان از غفلت می رهد که بداند دنیا ظلمانی است و محل عبور، و وطن اصلی او و سرچشمه نور جای دیگری است که در این صورت خضروار، با توکل به خدا به سوی وطن اصلی حرکت می کند. بنابراین، هر روش تربیتی که در آن اصل غفلت گریزی رعایت نشود و آنان را غافل سازد، محکوم به بطلان و شکست است.

خودشناسی: وی بر این باور است که اگر به خود آیی و فکر کنی که از کجا آمده ای و کجا خواهی شد و خدا را به وی خود شناسی را تلخیص در ظاهر و شکل و تمایل نمی داند و جایگاه واقعی او را حقیقت بخوانی، خود را خواهی یافت بس رفیع تر می داند تا جایی که خود انسان نیز از وجود و گوهر واقعی خود که من واقعی او همان است، عاجز است و خود نیز به جلال روحی خویش آنچنان که باید پی نبرده است.

صبر: مقاومت و پایداری یکی از اصول مهم تربیتی است که انسان در مقابل موانع و مشکلات، صبر باید پیشه نماید و با تحمل مشکلات سیر معنوی خود را ادامه می دهد.

کرامت نفس: انسان به عنوان خلیفه الله بایستی کرامت نفس خود را حفظ نماید و در چنگال مادیات از جمله؛ دنیا طلبی، خود بینی، شهوت و غضب که باعث از بین رفتن کرامت می باشد گرفتار نگردد و از طریق حفظ کرامت خویش و صفات پسندیده، صداقت، عدالت، ایثار، و از این قبیل لباس کرامت بر تن نماید.

روش های تعلیم و تربیت:

قطب الدین روش های تربیتی را شامل؛ آموختن حکمت، عمل صالح، ریاضت، تفکر، ذکر، دعا و تضرع و تلاوت قرآن می داند.

وی تلاوت پیوسته قرآن را در تربیت انسان بسیار مؤثر می داند به شرط آن که هنگام تلاوت قرآن دارای نشاط و سرور بوده و از خستگی بدور باشد. او منبع حکمت را قرآن می داند.

قطب الدین انسان را این گونه تعریف می کند؛ موجودی قدسی، صاحب علم و اراده و فنا ناپذیر است و مسافری است که از عالم در این که آیا در انسان هیچ نوع تمایل علوی به عالم سفلی و محبوس در زندان طبیعت است و از اصل خویش منفک شده است یا گرایشی وجود دارد یا نه؟ وی معتقد است که این نوع گرایش وجود دارد و اساس گرایش و تمایلات انسان قوه شوق یا نزوعی است که انسان را به حرکت و می دارد. این قوه که جایگاه آن دل است، خود دو شعبه دارد: یکی شهوانی که شایسته را جذب می کند و دیگری غضبیه که ناشایسته را دفع می نماید. این قوه از تخیل و ادراک متأثر می شود، زیرا تا چیزی درک نشود، وی خداجویی را یکی از گرایش های شوق یا غضب به آن تحریک نمی شود.

انسان می داند که از کمال جویی او نشأت می گیرد. از گرایش های دیگر انسان می توان از حقیقت جویی، فضیلت جویی و گرایش به صیانت ذات نام برد. او انسان را موجودی می داند که از بدن و نفس ناطقه تشکیل شده است که نفس ناطقه را مدبر بدن می داند. نفس انسان را به سه قسم به نباتی، حیوانی و انسانی تقسیم می کند. اما قطب الدین بر این اندیشه است که هدف اساسی از تعلیم و تربیت نزدیکی به خداوند است و همه وسایل و ابزارهای تعلیم و تربیت مقدمه ای است برای رسیدن به خالق هستی، لذا بایستی با توجه به اصول تعلیم و تربیت، نگرشی مثبت به انسان، مراحل رشد عقلانی، اهداف، برنامه و

روش های تعلیم و تربیت، راه رسیدن به قرب الهی را هموار ساخت تا انسان به هدف اصلی از نظام خلقت یعنی نزدیکی به مبدأ هستی گام بردارد.

۷. بحث و نتیجه گیری

قطب الدین شیرازی از آن گروه از متفکران مسلمان است که در ساحت نظری تعلیم و تربیت و اخلاق اثر مکتوب داشته، یا در مقام برنامه ریزی و عمل تربیتی طراح و بنیان گذار نظام آموزشی و پرورشی خاص بوده و یا از برجستگی علمی ویژه ای برخوردار بوده اند. هدف از تدوین این پایان نامه، دست یابی به اندیشه ها و مبانی تربیتی اندیشمندان مسلمان و نمایان ساختن تأثیر آموزه ها و باورهای دینی و یافته های فلسفی، عرفانی، حدیثی و فقهی بر دیدگاه های تربیتی آن و در نهایت نگاشتن تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه وی است. در این تحقیق، نخست زندگی و آثار متفکر و دیدگاه های او در باب انسان، معرفت و اخلاق به اختصار مورد توجه قرار گرفته و در پایان، اندیشه های تربیتی او به طور خاص گزارش شده است. بدون شک، هرچند این گونه بحث ها می تواند زمینه را برای تحلیل تاریخ اندیشه های تربیتی متفکران مسلمان و طبقه بندی های تربیتی فراهم آورد اما نکات ذیل نیز در باب کتاب دره التاج قابل تأمل است.

نگاشتن آرای تعلیم و تربیت یا هر آرای دیگری می تواند با جهت گیری های متفاوتی توأم باشد. در تدوین هم می توان به عمل تربیتی توجه نمود، و هم آرا و تعلیمات تربیتی عصر، یا متفکر را به رشته ی تحریر درآورد. البته این دو مقوله از هم گسسته نیستند؛ عنوان نخست به تاریخ فرهنگی و اجتماعی و عنوان دیگر با تاریخ تفکر پیوند دارد. در پایان نامه مورد بررسی جهت دوم غلبه دارد.

بر این اساس می توان گفت نگارنده آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن را در قالب مفاهیم فلسفی یا فقهی و کلامی عرضه کرده اند، با این تصور که هدف چنین گزارشی نمایان ساختن چگونگی تأثیر آرای فلسفی یا باورهای دینی بر دیدگاه های خاص تربیتی در اندیشه ی هر متفکر است.

پژوهشگر دیدگاه های منتخب این اندیشمندان را درباره ی انسان، اخلاق و معرفت، در همه ی بخش ها مورد بررسی قرار داده و اندیشه های تربیتی وی را گزارش داده است.

به نظر می رسد کسانی که بر سر مسائل فلسفی وفاق نظر دارند، بر سر دلالات و اشارات تربیتی نیز همراه باشند و حال این که چنین امری ملاحظه نمی شود؛ همان گونه که غالباً از فلسفه های متفاوت، تصورات مشابه تربیتی برمی خیزد.

در این کتاب دره التاج تعلیم و تربیت به اجمال واگذار شده است؛ در کتاب در باب اصول، مبانی و روش های تعلیم و تربیت تعریف مشترکی را انتخاب نکرده اند؛ از این رو در سرتاسر کتاب، گاه بحثی با عنوان اصول مطرح است و گاه نویسنده، همان را تحت عنوان روش می آورد؛ از این رو، به نظر می رسد که نویسنده یا تصحیح کننده باید به مفهوم روشن و به تلقی مشترکی از این معانی دست نیافته، تا خواننده دچار اغتشاش نگردد.

به نظر می رسد که اگر سرتاسر کتاب دارای ویراستار علمی واحدی باشد، به هم گرایی قالب بیان مفاهیم مساعدت کند. علاوه بر آن، متن باید از حیث قالب ادبی یکنواخت باشد که ظاهراً چنین نیست؛ چون در برخی از فصول از الفاظ عربی به میزان فراوان و غیر ضروری استفاده شده است و می توان به جای آن از واژه های فارسی بهره گرفت و در پاره ای از فصول نیز نویسنده به بهره گیری از واژه های فارسی گرایش بیش تری داشته اند. متن موجود بسیار مغلوط است و تصحیح خوبی ندارد.

اغلب آراء قطب را آراء درجه ی دو و اقتباس و نقل و ترجمه از آثار اندیشمندان پیشین یا معاصر خویش دانسته اند. بخش های فلسفی دره التاج عمیقاً تحت تأثیر آثار ابن سینا و سهروردی قرار دارد. در بخش های مربوط به دین و اخلاق، قطب الدین از آثار ابن سینا و فخرالدین رازی الهام گرفته است. سخنان او در واقع برگرفته از آثار پیشینیان است و از این حیث، قطب الدین بر مطالب آنان نکاتی مهم نیفزوده است. از این رو، به نظر نگارنده، شرح آرای او از سادگی به دور است.

بحث تعلیم و تربیت مورد توجه مکاتب مختلف دنیاست و همه ی تجلیل ها و تکریم ها مربوط به علمی است که رستگاری، صلاح فرد و جامعه و سعادت جهانی را به ارمغان می آورد. به نظر قطب الدین شیرازی علم می تواند کمال باشد نه به طور مطلق و علمی که وسیله ای برای رسیدن به کمال اصیل باشد آن مورد توجه است و همچون ابزاری در مسیر تکامل انسان قرار می گیرد و می تواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری و جسمانی فرد موثر باشد و فقط مربوط به زندگی مادی و معنوی نیست

و تمام شئونات اجتماعی را در برمی گیرد و کسب اعتدال و میانه روی و فضایل اخلاقی از مهم ترین اهداف تربیت اوست و تشویق و ترغیب نیز از مهم ترین روش های این دانشمند بزرگ است. نتایج و یافته های سایر پژوهشگران با پژوهش حاضر همسو است هر چند به صورت مدون و جامع در این مورد بررسی و تحقیقی صورت نگرفته است.

مراجع

- احمدی ع، فراهانی م. ۱۳۷۳. روان شناسی عمومی. تهران: وزارت آموزش و پرورش. شرکت چاپ و نشر ایران (دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی).
- بابازاده ط. ۱۳۸۹. نفس از دیدگاه ملاصدرا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- باترورث چارلز ای. ۱۹۹۲. ابعاد سیاسی فلسفه اسلامی. مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد. ۴۰۶ صفحه.
- بهشتی م. ۱۳۸۱. تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی. مجله معارف. شماره ده.
- حاجی ده آبادی م. ۱۳۷۷. درآمدی بر نظام تربیتی اسلامی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- حاجیه ع. ۱۳۸۷. قطب الدین شیرازی و آراء و آثار او. فصلنامه پیک نور (علوم انسانی). سال ششم. شماره ۴.
- حافظ نیا م. ۱۳۸۸. مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. سمت. تهران: سمت، ۳۴۸ صفحه.
- خاکی غ. ۱۳۹۰. روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و همکاری کانون فرهنگی انتشاراتی درایت، ۴۹۸ صفحه.
- رشنوزاده ب. ۱۳۸۶. گنجینه روشنان: سیری در آثار قطب الدین شیرازی. کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۰. صص ۶۴-۵۸.
- رشنوزاده ب. ۱۳۸۸. ابوالثناء قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی. مجله کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۱۳. صص ۸۷-۷۸.
- زیباکلام ف. ۱۳۸۰. مبانی فلسفه آموزش و پرورش در ایران، تهران: انتشارات حفیظ، ۱۸۴ صفحه.
- سرمد ز. بازرگان ع. حجازی ا. ۱۳۹۴. روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه، ۴۰۶ صفحه.
- شکوهی غ. ۱۳۶۸. مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۲۵۳ صفحه.
- طباطبایی، س م ح. ۱۳۶۳. المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. جلد یک. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، نصیرالدین محمد. ۱۳۶۴. اخلاق ناصری تهران: خوارزمی.
- کاکو جویباری ع. ۱۳۸۴. آموزش و پرورش آینده ج ۱. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کیهانی لبنانی م. ۱۳۹۰. بررسی آراء و اندیشه های قطب الدین محمود شیرازی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی تاریخ گرایش اسلام. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- گریز آ. ۱۳۸۳. فلسفه تربیتی شما چیست، ترجمه شعبانی و دیگران، مشهد: انتشارات به نشر.
- لطف آبادی ح. ۱۳۸۶. رویکردی نو به فلسفه تعلیم و تربیت. مجله نوآوری های آموزشی شماره ۲۰. صص ۱۱ تا ۴۰.
- مصباح، م ت. ۱۳۷۶. دروس فلسفه اخلاقی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- نر جی اف. ۱۳۷۷. آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش. مترجم: فریدون بازرگان. تهران: سمت.
- نوذری م. ۱۳۸۷. رابطه اخلاق و تربیت چگونه است؟. حوزه و دانشگاه، شماره ۵.
- یوسفی راد م. ۱۳۸۶. اندیشه سیاسی قطب الدین شیرازی. قم: انتشارات موسسه بوستان، ۱۲۴ صفحه.

Analyze and explain the basics of education in Doratotaj Qutb al-Din Shirazi

Azam Almasi Koopaye

Department of Education and Psychology, Isfahan (khorasgan) Branch,
Islamic Azad University, Isfahan, Iran, E-mail: almasikohpaye@gmail.com

Dr. Sayyed Hossain Vaezi

Department of Education and Psychology, Isfahan (khorasgan) Branch,
Islamic Azad University, Isfahan, Iran, E-mail: vaezi1340@gmail.com

Abstract. The aim of this study was to analyze and explain the basics of education in Qutb al-Din Doratotaj Shiraz. This study is theoretical research with descriptive and analytical approach and methodology of the research library and documents using a variety of tools taking notes from books and articles, including primary and secondary sources. Qutb al-Din Doratotaj primary source books Shiraz. All secondary sources include books and articles and publications about the book is the Doratotaj. The study population Qutb al-Din Shirazi. The most important method of encouraging moral education methods Qutb al-Din Shirazi. Qutb al-Din purpose of education is not only worldly happiness and the happiness of man after death is believed. as a result, the efficiency of education and training can help.

Keywords: Qutb al-Din Shirazi, Doratotaj, education